

سوال

این سخن چقدر صحیح است و آیا کسی از سلف آن را گفته است؟ «قرآن بزرگ، در مکه نازل شد پس شریفترین شهرها گردید، و در رمضان نازل شد پس شریفترین ماهها شد، و در شب قدر نازل شد پس بهتر از هزار ماه گشت، و بر محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل شد پس سرور پیامبران گردید، و جبرئیل آن را نازل کرد پس سرور ملائکه گردید» آیا واقعا قرآن سبب بزرگی اینهاست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

الله متعال قرآن را با اوصافی چند یاد کرده از جمله این که کتابی عزیز است، پروردگار متعال می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ [فصلت: ۴۱-۴۲]

(کسانی که به این قرآن چون بدیشان رسید کفر ورزیدند [به کیفر خود می رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است (۴۱) از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سوی نمی آید، نازل شده ای از سوی حکیمی ستوده شده است).

و می فرماید:

وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ [ق: ۱]

(سوگند به قرآن باشکوه).

و اوصاف بسیار دیگر.

و هر کس به قرآن تمسک جوید به سبب تمسکش به قرآن عزت و سربلندی می یابد. در حدیثی که مسلم (۸۱۷) از عامر بن واثله روایت کرده آمده که نافع بن عبدالحارث عمر را در عُسفان ملاقات کرد. عمر او را در مکه امیر کرده بود، پس از او پرسید: چه کسی را به عنوان عامل اهل وادی قرار دادی؟ گفت: ابن ابزی. عمر پرسید: ابن ابزی کیست؟ گفت از بردگان آزاد شده ماست. فرمود: برده ای آزاد شده را عامل و مسئول آنان قرار دادی؟ گفت: او قاری کتاب الله است و عالم فرائض

(مواریث) است.

عمر گفت: پیامبرتان - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «همانا الله با این کتاب اقوامی را والامقام می‌سازد و اقوامی را پست می‌سازد».

حاصل آن‌که تعلق به قرآن برای کسی که به آن تعلق جوید شرف است و بزرگی، حال این تعلق به هر شکلی باشد، خط باشد یا رسم باشد یا نطق و حفظ و تلاوت و علم و عمل؛ زیرا همهٔ وجوه تعلق به کتاب الله و مشغول شدن به آن شرفی است برای شخص متعلق و عاملی است برای بالا رفتن مقام او در دنیا و آخرت به همان اندازه‌ای که این تعلق حاصل شود و الله برای هر چیزی قدری و منزلتی قرار داده است.

در این سخن که نزول قرآن در مکه شرفی برای این سرزمین حرام باشد و نزول قرآن در رمضان شرفی برای ماه رمضان باشد و نزول قرآن بر قلب محمد - صلی الله علیه وسلم - شرفی باشد که خداوند او را بدان گرمی داشته است و این‌که حمل قرآن از آسمان و از نزد پروردگار جهانیان شرفی برای آن فرشتهٔ امین، جبرئیل - علیه السلام - است ایرادی به نظر نمی‌آید، زیرا قرآن گرمی‌ترین کلام و سخن رب العالمین است!

اما با این حال اشتباه است که گفته شود این تنها اسباب شرف و بزرگی است و شرف را تنها در آن منحصر کرد، زیرا این نوعی سخن گفتن بدون علم و نسبت دادن آن به خداوند است و همچنین نوعی تکلف است که نیازی به آن نیست.

بلکه اشتباه است که کسی گمان کند نزول قرآن آغاز شرف و بزرگواری مواردی است که ذکر شد، زیرا جبرئیل بهترین ملائکه و سفیر رب العالمین به سوی پیامبران او بود، پیش از آن‌که قرآن نازل شود...

و مکه سرزمین حرام الهی است که ابراهیم آن را حرم قرار داد و شرف آن ثابت است پیش از آن‌که قرآن نازل شود...

و پیامبر خدا محمد - صلی الله علیه وسلم - سرور فرزندان آدم و خاتم پیامبران است و این مقام و منزلت او ثابت است حتی هنگامی که آدم در گِل خود بود.

نهایت امر این است که گفته شود: از جمله اسباب شرف و بزرگواری، تعلق به کتاب الله برای هر کسی است که به هر نحوی چنان‌که گفته شد به آن تعلق جوید.

والله اعلم